
گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

واژه‌نامه موضوعی
زبان‌های باستانی ایران (۱)

۵۸۵۱۲۲۲۴

زیر نظر

حسن رضائی باغبیدی

همکاران پژوهشی: سیده پورکوشکی، جمیله حسن‌زاده،
آرزو رسولی (طالقانی)، مریم رضائی، بلدا شکوهی،
مجید طامه، لیلا عسگری، میترا فریدی، علی مصریان

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۰

زیر نظر حسن رضائی باغبیدی

همکاران پژوهشی: سپیده پورکوشکی، جمیله حسن‌زاده، آرزو رسولی (طالقانی)، مریم رضائی، یلدا شکوهی، مجید ظامه، لیلا عسگری، میترا فریدی، علی مصریان

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: لیلا نوری کشتکار

چاپ اول: ۱۳۹۰

شماره: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ: کاوا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۴۳-۱۰-۱ ISBN: 978-600-6143-10-1

نشانی: تهران، بزرگراه شهید حقانی، بعد از استگاه مترو، مجموعه فرهنگستان‌ها، فرهنگستان زبان و ادب فارسی،

صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۶۳۹۴

تلفن: ۴۸-۸۸۶۴۲۳۳۹ (۰۲۱) / دورنگار: ۸۸۶۴۲۵۰۰ (۰۲۱)

وب‌گاه: www.persianacademy.ir

حق چاپ محفوظ است.

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

یادداشت

موضوع

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

شماره کتاب‌شناسی ملی

رضائی باغبیدی، حسن ۱۳۴۵-

واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران (۱) / زیر نظر حسن رضائی باغبیدی

تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۰.

ج.

فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ ۸۶

۴۰۰۰۰ ریال: 978-600-6143-10-1

فیپا

عنوان به انگلیسی: (1) A Thematic Lexicon of Ancient Iranian Languages

زبان‌های باستانی - ایران - واژه‌نامه‌ها

زبان‌های ایرانی - واژگان

زبان‌های ایرانی - ریشه‌شناسی - واژه‌نامه‌ها

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

۲۳۲۲۹۵۵

مقدمه

واژه‌نامه موضوعی، چنان که از نامش پیداست، واژه‌نامه‌ای است که در آن واژه‌ها نه به ترتیب حروف الفبا، بلکه بر حسب موضوع طبقه‌بندی شده و در کنار هم آمده‌اند.

یکی از کهن‌ترین واژه‌نامه‌های موضوعی به زبانی آریایی، واژه‌نامه‌ای منظوم به زبان سنسکریت منسوب به سده چهارم (یا به روایتی ششم) میلادی است. این واژه‌نامه *آمرگشه*^۱ «گنج نامیرا» نام دارد و تألیف دانشمندی بودایی به نام *آمرسیمه*^۲ است. این واژه‌نامه موضوعی در سه فصل بدین شرح تنظیم شده است: فصل نخست با عنوان «آسمان و غیره»، شامل نام‌های گوناگون آسمان، واژه‌هایی که به معنی خدا هستند، و القاب گوناگون بودا؛ فصل دوم با عنوان «زمین و غیره»، شامل ده بخش با این عناوین: زمین، شهرها، کوه‌ها، جنگل‌ها و داروها، شیر و دیگر جانوران، انسان، برهمن (روحانی، عضو طبقه نخست جامعه)، کشتویه (جنگاور، عضو طبقه دوم جامعه)، وایشیه (عضو طبقه سوم جامعه)، شودره (عضو طبقه چهارم جامعه)؛ فصل سوم با عنوان «عمومی»، شامل واژه‌ها و اصطلاحات مربوط به دستور زبان و واژه‌های متفرقه.

^۱ *Amarakośa*

^۲ *Amarasimha*

در ایران باستان نیز واژه‌نامه موضوعی مفهومی ناآشنا نبوده است، چرا که دو نمونه کوچک از آن بر جای مانده است. یکی فرهنگ *اَئیم اَوگ*^۳ که واژه‌نامه کوچک موضوعی اوستایی به فارسی میانه زردشتی است، و دیگری فرهنگ *پهلویگ*^۴ که فرهنگ موضوعی هُزوارش‌ها و واژه‌های دشوار فارسی میانه زردشتی است. فرهنگ *پهلویگ* حدود ۵۰۰ واژه را در بر می‌گیرد و دارای ۳۰ فصل است، بدین شرح: (۱) باشندگان مینوی، (۲) گیتی، (۳) آب‌ها، (۴) دانه‌ها و میوه‌ها، (۵) نوشیدنی‌ها، (۶) سبزی‌ها، (۷) چارپایان، (۸) پرندگان، (۹) جانداران، (۱۰) اندام‌ها، (۱۱) اجزای خانواده، (۱۲) مردمان برتر، (۱۳) مردمان فروتر، (۱۴) سوارکاری، (۱۵) دبیری، (۱۶) فلزها، (۱۷) مناصب، (۱۸ تا ۲۱) افعال، (۲۲) افعال مربوط به بودن و مردن، (۲۳) واژه‌های مربوط به نامه‌نگاری، (۲۴) ضمائر، (۲۵) قیود، (۲۶) صفات، (۲۷) زمان و تقسیم سال، (۲۸) نام روزها و ماه‌ها، (۲۹) اعداد، (۳۰) واژه‌های مترادف و املاهای قدیم و جدید واژه‌ها.

از میان واژه‌نامه‌های موضوعی یک‌ریاض جهان می‌توان به چهار اثر معروف به زبان انگلیسی اشاره کرد: (۱) *گنج‌واژه راجت*^۵ تألیف پیتِر مارک راجِت^۶ که در سال ۱۸۵۲ میلادی منتشر شد؛ (۲) *راهنمای جامع واژه*^۷ اثر نرمن لویس^۸ که در سال ۱۹۵۸ میلادی منتشر شد و واژه‌های انگلیسی را در ۱۱۴۴ مقوله عمومی طبقه‌بندی کرده است؛ (۳) *گنج‌واژه انگلیسی معاصر*^۹ اثر تام مک‌آرتور^{۱۰} که اساساً برای خارجیان فراهم آمده و چاپ نخست آن در سال ۱۹۸۱ میلادی

^۳ *Frahang ī Oīm Ēwag*

^۴ *Frahang ī Pahlawīg*

^۵ *Roget's Thesaurus*

^۶ Peter Mark Roget

^۷ *The Comprehensive Word Guide*

^۸ Norman Lewis

^۹ *Longman Lexicon of Contemporary English*

^{۱۰} Tom McArthur

منتشر شد؛ ۴) گنج‌واژه تاریخی فرهنگ انگلیسی آکسفورد^{۱۱} که گردآوری آن در سال ۱۹۶۵ میلادی آغاز و پس از ۴۴ سال در سال ۲۰۰۹ میلادی منتشر شد. در این گنج‌واژه که بزرگ‌ترین گنج‌واژه دنیا به شمار می‌رود، واژه‌های زبان انگلیسی از کهن‌ترین ایام تا به امروز در حوزه‌های مختلف معنایی به ترتیب تاریخی، زیر بیش از ۲۳۶ هزار مقوله طبقه‌بندی شده‌اند.

پیشرفت مطالعات هندواروپایی سبب شد که واژه‌نامه‌هایی موضوعی نیز برای این خانواده بزرگ زبانی فراهم آید. یکی از بهترین نمونه‌ها، *واژه‌نامه گزیده‌ای از مترادف‌ها در زبان‌های اصلی هندواروپایی*^{۱۲} اثر کارل دارلینگ باک^{۱۳} است که در سال ۱۹۴۹ میلادی از سوی دانشگاه شیکاگو منتشر شد. این واژه‌نامه دارای ۲۲ فصل است، بدین شرح: ۱) جهان مادی، ۲) انسان (جنس، سن، روابط خویشاوندی)، ۳) جانوران، ۴) اندام‌های بدن؛ کارکردها و شرایط جسمانی، ۵) خوردنی و آشامیدنی؛ آشپزی و وسایل، ۶) پوشش؛ آرایش و مراقبت شخصی، ۷) سکونت‌گاه، خانه، اثاث، ۸) کشاورزی، گیاه‌شناسی، ۹) اعمال متفرقه جسمانی و اعمال مربوط به هنرها و مهارت‌های خاص، با برخی از ابزارها، مواد، و محصولات؛ دیگر مفاهیم متفرقه، ۱۰) حرکت؛ جابجایی، حمل‌ونقل، کشتی‌رانی، ۱۱) مالکیت، دارایی، و تجارت، ۱۲) روابط مکانی، مکان، شکل، اندازه، ۱۳) کمیت و تعداد، ۱۴) زمان، ۱۵) درک حسی، ۱۶) احساس (با برخی از تظاهرات جسمانی احساس)؛ مفاهیم خلقی، اخلاقی، و زیبایی‌شناختی، ۱۷) ذهن، اندیشه، ۱۸) کلام، گفتار؛ خواندن و نوشتن، ۱۹) تقسیم‌بندی‌های ارضی، اجتماعی، و سیاسی؛ روابط اجتماعی، ۲۰) جنگ، ۲۱) قانون، ۲۲) دین و خرافات.

^{۱۱} *Historical Thesaurus of the Oxford English Dictionary*

^{۱۲} *A Dictionary of Selected Synonyms in the Principal Indo-European Languages*

^{۱۳} Carl Darling Buck

در ایران، محسن صبا در سال ۱۳۶۶ کتابی با عنوان *فرهنگ بیان اندیشه‌ها* (تهران، نشر فرهنگ) منتشر کرد که هرچند مداخل آن به ترتیب الفبایی مرتب شده‌اند، در کنار هر مدخل علاوه بر مترادف‌های آن، می‌توان واژه‌ها و ترکیب‌های وابسته بدان را نیز یافت. با وجود این، نخستین گنج‌واژه فارسی به مفهوم امروزی آن در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان *فرهنگ طیفی*، به کوشش جمشید فراروی (تهران، انتشارات هرمس) منتشر شد. در این گنج‌واژه حدود ۴۵ هزار واژه فارسی در ۶ طبقه، ۳۹ باب و ۹۹۱ مقوله طبقه‌بندی شده‌اند. از سوی دیگر، کوشش‌هایی نیز برای انتشار واژه‌نامه‌های موضوعی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نو صورت گرفته که از آن میان می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: (۱) *واژه‌نامه خوری*، اثر بهرام فره‌وشی، تهران، انتشارات مرکز مردم‌شناسی ایران، ۱۳۵۵؛ (۲) *فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی*، اثر محرم رضایتی کیسه‌خاله و ابراهیم خادمی ارده، رشت، انتشارات دانشگاه کیلان، ۱۳۸۷؛ (۳) *فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی (گویش تاتی روستای لرد بخش شاهرود خلخال)*، اثر جواد معراجی لرد، رشت، انتشارات بلور، ۱۳۸۸؛ (۴) *گنجینه گویش‌شناسی فارس*، اثر عبدالنبی سلامی، تهران، انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ج ۱-۵، ۱۳۸۳-۱۳۸۸.

واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران

طرح *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران* در خردادماه سال ۱۳۸۹ به پیشنهاد نگارنده در شورای علمی گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی فرهنگستان زبان و ادب فارسی مطرح شد و به تصویب اعضای محترم شورا رسید. پس از آن نیز در شورای مدیران محترم گروه‌های فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب شد و رسماً اجرای آن آغاز گردید. منظور از «زبان‌های باستانی ایران» در عنوان این طرح، زبان‌های کهن و از یاد رفته ایرانی است که در منابع تخصصی تحت دو

عنوان «زبان‌های ایرانی باستان» و «زبان‌های ایرانی میانه» معرفی می‌شوند. هدف از اجرای این طرح، در مراحل آغازین، چاپ و انتشار واژه‌نامه‌های کوچک موضوعی، و در نهایت، چاپ و انتشار کتابی مرجع تحت عنوان *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران* است. *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران* منبعی بسیار سودمند در زبان‌شناسی ایرانی خواهد بود و بیش از همه در بررسی‌های ریشه‌شناختی زبان فارسی و دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی به کار خواهد آمد. از سوی دیگر، این واژه‌نامه می‌تواند راهنمایی ارزنده برای گروه‌های واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی باشد. امید است که پس از پایان این طرح و چاپ نسخه نهایی *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران*، بتوانیم در قالب طرحی دیگر واژه‌های «زبان‌های ایرانی نو» را نیز بدان بیفزاییم و در نهایت گنج‌واژه عظیمی تحت عنوان *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های ایرانی فراهم* آوریم که خدمت فرهنگی بزرگی در عرصه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی خواهد بود.

کتاب حاضر نخستین مجلد از *واژه‌نامه موضوعی زبان‌های باستانی ایران* است که در آن واژه‌های مربوط به «بدن انسان و جانوران» و «نام‌های جانوران» در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه از منابع گوناگون گردآوری و طبقه‌بندی شده است.

زبان‌های باستانی ایرانی

زبان‌های ایرانی از اواخر هزاره دوم پیش از میلاد تا کنون در پهنه وسیعی از مرزهای شمالی چین در شرق تا دریای آرژ و سواحل شمالی دریای سیاه در غرب، و از شمال غربی فلات ایران تا سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس رایج بوده است. زبان‌های ایرانی در طول تاریخ پر فراز و نشیب خود از سه دوره باستان،

میانۀ و نو گذر کرده‌اند. چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در این کتاب، منظور از زبان‌های باستانی ایران، زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانۀ است.

زبان‌های ایرانی باستان به آن دسته از زبان‌های ایرانی گفته می‌شود که از اواخر هزارهٔ دوم پیش از میلاد تا اندکی پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی (۳۳۰ پیش از میلاد) رایج بودند. از میان زبان‌های ایرانی باستان فقط آثار مکتوب دو زبان بر جای مانده است: فارسی باستان که زبان مادری شاهنشاهان هخامنشی بود، و اوستایی، زبان به کار رفته در *اوستا*، که گونهٔ قدیم آن اصطلاحاً گاهانی خوانده می‌شود. اگر چه آثار مکتوبی از زبان‌های سکایی باستان و مادی بر جای نمانده، شماری از واژه‌های این زبان‌ها را بر پایهٔ منابع موجود به زبان‌های دیگر بازسازی کرده‌اند. این گونهٔ واژه‌های بازسازی شده نیز در طرح حاضر مورد استفاده قرار گرفته است.

زبان‌های ایرانی میانۀ به آن دسته از زبان‌های ایرانی گفته می‌شود که پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی رایج یافتند و تا چند سده پس از انقراض ساسانیان (۳۱ هجری/۶۵۱ میلادی) به حیات خود ادامه دادند. زبان‌های ایرانی میانۀ را به دو شاخهٔ غربی و شرقی تقسیم می‌کنند. زبان‌های ایرانی میانۀ غربی عبارت‌اند از: پارتی (یا پهلوانی یا پهلوی آشکانی) و فارسی میانۀ (یا پهلوی ساسانی یا پهلوی). زبان‌های ایرانی میانۀ شرقی که آثار مکتوبی از آن‌ها بر جای مانده عبارت‌اند از: بلخی، خوارزمی، سغدی و سکایی (با دو گویش تمشقی و ختّنی). واژه‌هایی نیز از زبان سمرتمی بازسازی شده است.

زبان‌های ایرانی میانۀ به دلایل مختلف در دورهٔ اسلامی نیز تا قرن‌ها در کنار زبان‌های ایرانی نو رایج بودند و به تدریج به فراموشی سپرده شدند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد زبان بلخی تا سدهٔ سوم هجری، زبان ختّنی تا سدهٔ چهارم هجری، زبان‌های پارتی و فارسی میانۀ تا سدهٔ هفتم هجری در میان

مانویان آسیای مرکزی، زبان خوارزمی تا اواخر سدهٔ هشتم هجری، و گونه‌ای از زبان سغدی حتی تا سدهٔ دهم هجری در روستاهای اطراف بخارا رایج بوده است.

راهنمای واژه‌نامه

- در هر یک از بخش‌های واژه‌نامهٔ موضوعی زبان‌های باستانی ایران، واژه‌های فارسی به ترتیب الفبایی مرتب شده و در زیر هر یک معادل یا معادل‌های آن در زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه به ترتیب زیر آمده است:

اوستایی

سکایی باستان

مادی

فارسی باستان

پارتی کتیبه‌ای

پارتی مانوی

فارسی میانهٔ کتیبه‌ای

فارسی میانهٔ زردشتی

فارسی میانهٔ مسیحی

فارسی میانهٔ مانوی

پازند

سَرمَتی

بلخی

خوارزمی

خُتَنی

تُمَشْقی

سُغدی

سُغدی بودایی

سُغدی مانوی

سُغدی مسیحی

- واژه‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه دقیقاً به شیوهٔ مآخذ مورد استفاده حرف‌نویسی یا آوانویسی شده‌اند و، چنان که از یک اثر تخصصی انتظار می‌رود، هیچ تغییری در حرف‌نویسی‌ها یا آوانویسی‌ها داده نشده است. از آن‌جا که منابع مورد استفاده در مواردی از شیوه‌های مختلف حرف‌نویسی و آوانویسی استفاده کرده‌اند، در پایان این مقدمه، جداولی برای راهنمایی خوانندگان محترم فراهم آمده است.
- شیوهٔ ارجاع به منابع چنین است: در میان پُرانتز نخست نام خانوادگی نویسنده، گردآورنده یا مترجم، سپس تاریخ چاپ اثر و در پایان شمارهٔ صفحه یا صفحات، مثلاً (تفصیلی ۱۳۴۸: ۱۷۵) یا (Kent 1953: 190).
- در ذکر واژه‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه، در صورتی که از چند منبع استفاده شده باشد، که در غالب موارد چنین بوده، ترتیب ذکر منابع بدین صورت است: نخست منبع اصلی، سپس منابع خارجی به ترتیب تاریخ، و در پایان منابع فارسی به ترتیب تاریخ. منابع اصلی عبارت‌اند از:
 - برای اوستایی (Bartholomae 1904)
 - برای سکایی باستان (Abaev 1979)
 - برای مادی (Hinz 1975)
 - برای فارسی باستان (Kent 1953)
 - برای پارسی کتیبه‌ای (Gignoux 1972)
 - برای پارسی مانوی (Durkin-Meisterernst 2004)
 - برای فارسی میانهٔ کتیبه‌ای (Gignoux 1972)
 - برای فارسی میانهٔ زردشتی (MacKenzie 1971a)
 - برای فارسی میانهٔ مسیحی (عریان ۱۳۸۲)
 - برای فارسی میانهٔ مانوی (Durkin-Meisterernst 2004)
 - برای پازند (Jârnâsp-Âsânâ and West 1887)
 - برای سَرمَتی (Abaev 1979)
 - برای بلخی (Sims-Williams 2007)

برای خوارزمی (Benzing 1983)

برای خَتَنی (Bailey 1979)

برای ثَمَشَقی (Bailey 1979)

برای سَغَدی (Gharib 1995)

برای سَغَدی بودایی (Gharib 1995)

برای سَغَدی مانوی (Gharib 1995)

برای سَغَدی مسیحی (Gharib 1995)

• واژه‌های منابع غیراصلی در صورتی مورد استفاده قرار گرفته و بدان‌ها ارجاع داده شده است که: الف) در منابع اصلی نبوده‌اند، ب) در شیوه حرف‌نویسی/آوانویسی آن‌ها و یا در معنی آن‌ها تفاوتی با منابع اصلی یا دیگر منابع وجود داشته است.

• در استفاده از منابعی که علاوه بر واژه‌نامه شامل متن نیز بوده‌اند، تنها به واژه‌نامه اکتفا نشده، بلکه به معنی واژه در بافت جمله نیز توجه شده است. برای نمونه می‌توان به واژه فارسی میانه زردشتی *daštān* اشاره کرد که به معنی «خون حیض» دلیل مدخل «خون» آمده و به (آموزگار و تفضلی ۱۳۸۶: ۵۳) ارجاع داده شده است. اولاً این واژه دقیقاً با همین آوانویسی در منبع اصلی مورد استفاده برای فارسی میانه زردشتی آمده است (MacKenzie 1971a: 25)، اما از آن جا که در آن منبع تنها معانی «حیض/ *menstruation*» و «حائض/ *menstruous*» برای آن داده شده، برای معنی «خون حیض» از ارجاع بدان منبع پرهیز شده است. ثانیاً در واژه‌نامه آموزگار و تفضلی ۱۳۸۶: ۱۹۴، واژه مذکور چنین معنی شده است: «دشتان (قاعدگی)»؛ از این رو، به واژه‌نامه این کتاب نیز ارجاع داده نشده است. با مراجعه به صفحه ۵۳ همان کتاب (فصل ۱۲، بند ۲) در می‌یابیم که واژه *daštān* در آن جا نه به معنی «حیض، قاعدگی» و نه به

معنی «حائض» است، بلکه در آن‌جا در کنار منی، خون، ادرار، و آب دهان آمده و از آلودگی‌هایی دانسته شده که از بدن دفع می‌شوند؛ از این رو، به معنی «خون حیض» است. به همین دلیل، برای معنی «خون حیض» به صفحه ۵۳ متن ارجاع داده شده است، نه به صفحه ۱۹۴ واژه‌نامه.

در پایان نگارنده وظیفه خود می‌داند که از پژوهشگران ارجمند گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی که با علاقه و پشتکار بسیار و با صرف وقت فراوان واژه‌های مورد نیاز را از منابع گوناگونی که نگارنده بدیشان معرفی می‌کرد، استخراج می‌کردند و در اختیار وی قرار می‌دادند، صمیمانه سپاس‌گزاری کند. این واژه‌ها پس از چند مرحله بررسی و بازبینی طبقه‌بندی می‌شدند. نیز از خانم لیلا نوری کشتکار بسیار سپاس‌گزارم که اطلاعات استخراج شده را با دقتی ستودنی حروف‌نگاری کردند و با صبر و شکیبایی در چندین مرحله تغییرات، اضافات، و اصلاحات اینجانب را به رایانه سپردند تا در نهایت کاری آراسته فراهم آید.

حسن رضائی باغبیدی

مدیر گروه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

فروردین‌ماه ۱۳۹۰

راهنمای نشانه‌های حرف‌نویسی و آوانویسی^{۱۴}

۱. مصوت‌ها

ā	a
در خُتَنی: ا کوتاه (مرکزی)؛ در هجای تکیه‌دار ا (e =)	ä
ä =	ä
در بلخی: آ و آ	α
در اوستایی: آ (پشین)	ā
در اوستایی: آ یا آ خیشومی شده در خُتَنی: آ خیشومی شده am =	a
در اوستایی: ā =	ā
در اوستایی: آ (مصوت مرکب)	ae
آ (مصوت مرکب)	ai
ai =	ai
در اوستایی: آ و (مصوت مرکب)	ao
آ و (مصوت مرکب)	au
ā	ā
ā =	ā
در اوستایی: آ (پشین)	ā
آ (مصوت مرکب)	āi
آ و (مصوت مرکب)	āu
ا کوتاه	e
e =	e
ا کشیده	ē
ē =	ē

^{۱۴} شایان ذکر است که معادل‌های این نشانه‌ها در برخی از موارد تقریبی است و در باره برخی از آن‌ها نیز میان دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد.

η	در بلخی: ا کشیده
ε	در ختنی: ا (در حرف‌نویسی با ε نمایانده می‌شود)
ε	در ختنی: ا کوتاه (در حرف‌نویسی با ε نمایانده می‌شود) در بلخی: ا
εi	در بلخی: احتمالاً ای کشیده
ə	ا کوتاه (مرکزی)
ē	ا کشیده (مرکزی)
əu	در اوستایی: او (مصوت مرکب)
i	ای کوتاه
j	i =
ī	ای کشیده
î	ī =
l	در بلخی: ای کوتاه و ای کشیده (نیز صامت «ی»)
o	ا کوتاه در بلخی: او کوتاه و او کشیده (نیز صامت «و» و «ولی»)
o	o =
o	در ختنی: ا کوتاه (گاه به جای آن از o استفاده می‌شود)
ō	ا کشیده
ô	ō =
ov	در بلخی: احتمالاً او کشیده (نیز: اوھ)
ω	در بلخی: ا کشیده
ōi	در اوستایی: ای (مصوت مرکب)
u	او کوتاه
ū	او کشیده
ʀ	ر (در مصوتی)

۲. صامت‌ها

د	الف (در حرف‌نویسی)
ع	ع (در حرف‌نویسی)
b	ب در خُتَنی: و (لیبی‌دندانی)
β	در اوستایی: و (لیبی‌دندانی) در بلخی: ب در خط خوارزمی: ف (= «و» لیبی‌دندانی)
c	در اوستایی و فارسی باستان: چ در خط خوارزمی: چ (= «تس» و «دژ») در خُتَنی: چ (= ky)
č	چ
č	در فارسی باستان: یک آوای ناساخته صغیری، احتمالاً «ش» کامی (= ǰ اوستایی)؛ به روایتی «س» (= ss)
ch	در خُتَنی و در شیوه کهن آوانویسی پهلوی: چ (کامی‌شده)
d	د در خُتَنی: د (در صورتی که پیش از آن n آمده باشد، «د» تلفظ می‌شود)
ḍ	در خُتَنی: د (کامی‌شده یا برگشته)
δ	د در بلخی: د
dz	دژ
f	ف
φ	در بلخی: ف
g	گ در خُتَنی: غ
ǰ	در اوستایی: گ (= g)
gg	در خُتَنی: گ

gy	در خَتَنی: ج (= j)
γ	غ در بلخی: گ
γγ	در بلخی: نگ
h	ه (تیز در حرف‌نویسی) ح (در حرف‌نویسی)
ḥ	ح (در حرف‌نویسی)
ḥ	ه (در حرف‌نویسی)
h:	در خَتَنی: غ
v	در بلخی: ه
H	بازمانده واج‌های خنجرهای هندواروپایی آغازین در ایرانی آغازین
ii	در اوستایی: ی (= y)
j	در اوستایی و فارسی باستان: ج در خَتَنی: ج (= gy)
j	ج
js	در خَتَنی: دژ
k	ک
kh	در خَتَنی و در شیوه کهن آوانویسی پهلوی: خ در خَتَنی قدیم: که (دمیده)
kš	در خَتَنی: احتمالاً چه (دمیده)
ky	در خَتَنی: چ (= c)
κ	در بلخی: ک
l	ل در خَتَنی: ل (کامی شده)
λ	در بلخی: ل
m	م
ṃ	در خَتَنی: نگ (= ñ)
μ	در بلخی: م
ṃ	در اوستایی: م (بی‌واک)

n	ن
v	در بلخی: ن
ñ	در اوستایی: ن (کامی)
ṇ	در خُتَنی: نَگ (= ṇ)
n̄	در خُتَنی: ن (کامی شده)
ṇ	در اوستایی: ن (ملازی)
ṇ	در اوستایی: نَگ (=ن) نرمکامی پسین
ṇ̄	در اوستایی: نَگ (=ن) نرمکامی پیشین
ṇ̄	در اوستایی: نَگ (=ن) نرمکامی گرد
p	پ
ph	در خُتَنی: ف در خُتَنی قدیم: به (دمیده)
π	در بلخی: پ
q	ق (در حرف نویسی)
r	ر
ṛ	r =
rr	در خُتَنی: نوعی ر (با کیفیت نامشخص)
ρ	در بلخی: ر
s	س
σ	در بلخی: س، نیز احتمالاً نَس
š	ش
þ	در بلخی: ش
ṣ	در خُتَنی: ژ (= ṣ)
ṣ	در خُتَنی: ز (کامی شده، = ṣ)
ṣ	در اوستایی: ش (کامی)
ṣ	در اوستایی: ش (برگشته)
ṣ	در خُتَنی: س (کامی شده، = ṣṣ)؛ ز (کامی شده، = ṣ)
ṣ	در خُتَنی: ش (= ṣṣ)؛ ژ (= ṣ)
sh	در شیوه کهن آوانویسی پهلوی: ش

§§	در خُتَنی: س (کامی شده، S^2)
§§	در خُتَنی: ش (= S^3)
t	ت در خُتَنی: د (در صورتی که پیش از آن s یا پس از آن v آمده باشد، «ت» تلفظ می‌شود)
ṭ	در بلخی: ٲ
t̃	در اوستایی: ت (رهاننده)
t̥	ط (در حرف‌نویسی)
!	ط (در حرف‌نویسی) در خُتَنی: ٲ (کامی شده یا برگشته)
th	در خُتَنی: ث در خُتَنی قدیم: ته (میده)
ṭh	در خُتَنی: ث (کامی شده) در خُتَنی قدیم: ته (کامی شده یا برگشته)
tc	در خُتَنی: ٲس
ts	در خُتَنی: ٲس (کامی شده)
tʃ	ٲس
tt	در خُتَنی: ت
θ	ث
uu	در اوستایی: و (دولبی، $v =$)
v	و (در ایرانی آغازین، اوستایی، فارسی باستان و خُتَنی: دولبی)
y	$v =$
w	و (دولبی)
o	در بلخی: و (دولبی، نیز مصوت‌های او کوتاه و او کشیده)
x	خ
χ	در بلخی: خ
ṣ	در اوستایی: خ (پیشین)
x̣	در اوستایی: خُو (= «خ» گرد)
y	ی

ys	در خُتَنی: ز
ɪ	در بلخی: ی (نیز مصوت‌های ای کوتاه و ای کشیده)
ý	در اوستایی: ی (= y)
ʏ	در خوارزمی: ی (به جای مصوت‌های باستانی آ، ای کوتاه، و او کوتاه پیش از آخرین صامت کلمه در موضع وقف)
z	
ʒ	در بلخی: ز، نیز احتمالاً دژ
ž	ژ
واژه‌هایی که در این کتاب با حروف بزرگ نوشته شده‌اند، هُزوارش‌ها را می‌نمایانند.	

۱. نشانه‌های افزوده

˘	مصوت کوتاه
-	مصوت کشیده
ˉ	مصوت کوتاه یا کشیده
˜	مصوت خیشومی شده
˙	مصوت تکیه‌دار
◌	در آغاز واژه: جزء دوم واژه مرکب در پایان واژه: جزء نخست واژه مرکب
*	واژه بازسازی شده
+	واژه اصلاح شده
/	و